

دکتر جیمز اس. اشپیگل، اخلاق مسیحی، جلسه ۱۲، فناوری‌های تولید مثل

جیم اشپیگل و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جیمز اس. اشپیگل در تدریس اخلاق مسیحی است. این جلسه ۱۲، فناوری‌های تولید مثل است.

بسیار خوب، موضوع بعدی که در مورد آن بحث خواهیم کرد، فناوری‌های تولید مثل است.

در زمان ما تعدادی مسائل اخلاقی وجود دارد که به دلیل سوالات اخلاقی ناشی از توسعه فناوری‌های خاص پدیدار شده‌اند. و این موضوع هیچ‌جا به اندازه فناوری‌های تولید مثل اهمیت ندارد. بنابراین، بیایید با مروری بر برخی از روش‌های مورد استفاده شروع کنیم.

نامیده IUI آنچه که قبلاً به عنوان تلقیح مصنوعی شناخته می‌شد، اکنون به طور کلی تلقیح داخل رحمی یا می‌شود. این روش، قرار دادن مصنوعی اسپرم مرد در رحم زن است. انتقال گامت به داخل لوله فالوپ نیز نیز شناخته می‌شود، جایی که چندین تخمک از زن استخراج شده و سپس به GIFT وجود دارد که به عنوان همراه اسپرم مرد در لوله‌های فالوپ زن قرار داده می‌شوند.

تخمک‌ها در آزمایشگاه IVF که کمی شناخته‌شده‌تر است، با (in vitro fertilization) لقاح آزمایشگاهی جنین‌ها در ZIFT بارور می‌شوند و سپس جنین‌های ایجاد شده در رحم کاشته می‌شوند. یا در چیزی به نام لوله‌های فالوپ کاشته می‌شوند. یا زیگوت‌ها در لوله‌های فالوپ کاشته می‌شوند.

و سپس، در مادری جایگزین، از یک زن شخص ثالث برای حمل نوزاد تا زمان زایمان استفاده می‌شود، که به بارداری می‌شود و سپس نوزاد را تا زمان زایمان IVF یا IUI هر دلیلی، زن دیگر نمی‌تواند. مادر جایگزین از طریق حمل می‌کند، که بسته به تخمک‌های استفاده شده، ممکن است از نظر ژنتیکی به او مربوط باشد یا نباشد. بنابراین، رویکرد ما به این مسائل باید چه باشد؟ طبق نظر فایده‌گرایان یا کانتی‌ها، ما فقط باید خوشبختی آینده را در نظر بگیریم، یا ببخشید، فقط باید خوشبختی یا لذت افراد درگیر را در نظر بگیریم، که اگر در مورد مادری جایگزین صحبت کنیم، مادر، پدر، مادر جایگزین خواهند بود.

و همچنین می‌توانیم شادی یا لذت نوزادی که به دنیا می‌آید را در نظر بگیریم. در مورد اخلاق کانتی، ما استقلال افراد درگیر، احترام به اشخاص و غیره را در نظر می‌گیریم. و آیا می‌توانیم این عمل را جهانی کنیم؟ اما از دیدگاه مسیحی، باید سایر اعمال را نیز در نظر بگیریم.

اسکات ری در ارائه برخی پارامترهای اخلاقی که ارزش بررسی دارند و ملاحظات مختلف دیگر مفید است. یکی اینکه فناوری پزشکی یک موهبت است. می‌دانید، ما حاملان تصویر الهی هستیم.

ما خلاق و نوآور هستیم. و یکی از کارهایی که انسان‌ها، به عنوان حاملان تصویر الهی، توانایی انجام آن را دارند، خلق انواع فناوری‌ها است. بنابراین، این نعمتی از جانب خداست، در شرایط برابر.

فناوری‌ها می‌توانند برای خیر یا شر استفاده شوند. و همانطور که ما از نظر اخلاقی در مورد مسائلی مانند این تأمل می‌کنیم، تلاش می‌کنیم از فناوری‌های خود برای خیر اخلاقی استفاده کنیم نه برای شر. ثانیاً، تولید مثل توسط خدا طوری طراحی شده است که در چارچوب یک ازدواج دگرجنس‌گرایانه و تک‌همسری رخ دهد.

ما در یک سخنرانی جداگانه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. تمایلات جنسی انسان، سوالات اخلاقی که در رابطه با تمایلات جنسی انسان مطرح می‌شود. سوم، تقدس زندگی و جایگاه اخلاقی جنین ملاحظات مهمی هستند.

از دیدگاه مسیحی، ما به تقدس زندگی انسان اعتقاد داریم، اینکه تمام زندگی انسان مقدس است زیرا انسان‌ها به تصویر خدا آفریده شده‌اند، همانطور که در پیدایش ۱ به ما گفته شده است. و همانطور که در بحث خود در مورد سقط جنین صحبت کردیم، از دیدگاه کتاب مقدس، کودک متولد نشده یک زندگی مقدس است. اصل تقدس زندگی انسان در مورد کودک متولد نشده نیز صدق می‌کند. بنابراین باید این نکته را در نظر داشت.

چهارم، فرزندخواندگی جایگزین مهمی است که باید در نظر گرفته شود، نه اینکه هر یک از این فناوری‌های تولید مثل را انتخاب کنیم. این چیزی است که قطعاً برای میلیون‌ها زوجی که فرزندخواندگی را انتخاب می‌کنند، یک نعمت است. این یک کار بسیار رهایی‌بخش است، به خصوص وقتی که یک زوج کودکی را به فرزند قبول می‌کنند که در غیر این صورت به خوبی از او مراقبت نمی‌شود.

و اینکه در هر صورت، کودکان هدیه‌ای از جانب خدا هستند. هر زمان که از طریق عمل تولید مثل، فرزند به طور طبیعی به دنیا می‌آید، این هدیه‌ای از جانب خداست. این کاری است که او انجام می‌دهد، به خصوص در هر رحمی که کودک خلق می‌شود.

و در نهایت، فضیلت ایمان. این قطعاً برای بسیاری از زوج‌هایی که در بچه‌دار شدن مشکل دارند، آزمونی برای ایمان است. و این یک فرصت است.

مطمئنم که اکثر افراد اینطور به آن نگاه نمی‌کنند. این زمانی است که می‌توان ایمان را در خود پرورش داد و به حاکمیت خداوند اعتماد کرد. با این حال، برای بسیاری از زوج‌ها، این یک چالش بسیار دشوار است.

در چه مقطعی باید از تلاش برای داشتن فرزند خودمان، چه از طریق فناوری‌هایی مانند این یا روش‌های دیگر دست بکشیم؟ در چه مقطعی باید فقط به دنبال فرزندخواندگی باشیم یا تسلیم خدا شویم که خواست خدا برای ما بچه‌دار شدن نیست؟ کشیش کلیسای من یا من عضو آن هستم و او و همسرش قادر به بچه‌دار شدن نبودند. بنابراین، در مقطعی، آنها فقط تصمیم گرفتند که خب، خواست خدا برای ما این نیست که فرزندان خودمان را داشته باشیم. به هر دلیلی، آنها تصمیم گرفتند که فرزند را به فرزند قبول نکنند.

اما آنها بر اشکال دیگر خدمت تمرکز کردند، از دانشجویان مختلف در خانه‌هایشان استقبال کردند، با آنها زندگی کردند و گاهی اوقات افرادی از کشورهای دیگر را نیز پذیرفتند. و آنها به این روش خدمت کرده‌اند و این یک خدمت بسیار قدرتمند برای آنها بوده است. اما این می‌تواند یک آزمایش بسیار چالش برانگیز برای ایمان باشد.

در اینجا به چند مورد از تمایزات الهیاتی کاتولیک رومی اشاره می‌کنیم که لزوماً توسط اکثر پروتستان‌ها تأیید نمی‌شوند، اما مطمئناً ارزش بررسی و جدی گرفتن را دارند. یکی از آنها ایده وحدت بین رابطه جنسی و تولید مثل است. در سنت الهیاتی کاتولیک رومی، هنجاری وجود دارد که به رسمیت شناخته شده است که رابطه جنسی زناشویی باید همیشه برای تولید مثل باز باشد.

بنابراین منظور این نیست که شما همیشه باید هر بار که رابطه جنسی دارید، قصد بچه‌دار شدن داشته باشید. اما باید نسبت به تولید مثل پذیرا باشید و این مستلزم عدم انجام اقداماتی برای جلوگیری از تولید مثل مصنوعی با استفاده از فناوری‌ها و وسایل پیشگیری از بارداری است. اگرچه چیزی به نام روش ریتمیک تأیید

شده است و این صرفاً از طریق کنترل خود، یعنی اجتناب از رابطه جنسی در مواقعی که احتمال بارداری زن بیشتر است، امکان‌پذیر است.

اما در سنت کاتولیک رومی، ارتباط بسیار محکم‌تری بین عمل جنسی و تولید مثل شناخته و تأیید شده است که عموماً در مورد پروتستان‌ها نیز صادق است. و سپس، از نظر نقش مناسب فناوری در سنت کاتولیک رومی، فناوری پزشکی به عنوان چیزی شناخته می‌شود که می‌تواند به مقاربت طبیعی کمک کند اما ممکن است جایگزین آن نشود. بنابراین، این امر پیامدهایی برای برخی از این فناوری‌های تولید مثل دارد.

در اینجا به برخی از مسائل اخلاقی که در زمینه برخی از این فناوری‌های تولید مثل مطرح می‌شوند، اشاره استفاده از داروهای تخمک‌گذاری در، GIFT می‌کنیم. تلقیح داخل رحمی و لقاح آزمایشگاهی، و همچنین خطر قابل توجهی برای تعداد زیادی چندقلو، گاهی چهار، پنج، اما گاهی اوقات در، IVF، GIFT موارد شش نوزاد که از طریق این روش‌ها تولید می‌شوند، ایجاد می‌کند که خطر بالایی برای مادر و همچنین نوزادان، دارد و احتمال از دست دادن جان کودکان بیشتر است. با توجه به اینکه مثلاً لقاح آزمایشگاهی انجام می‌شود، گران است، این سوال دشواری است.

شما ده‌ها هزار دلار برای این کار هزینه می‌کنید، و وقتی این جنین‌ها را دارید، باید کاشته شوند؛ این فرآیند نیز گران است. بنابراین، شما می‌خواهید بیشترین بهره را از پول خود ببرید، بنابراین انگیزه‌ای برای قرار دادن تعداد زیادی جنین به امید حداقل یک کاشت وجود دارد. اما از طریق فرآیند لقاح آزمایشگاهی و تولید همه این جنین‌ها، به طور معمول این اتفاق می‌افتد که جنین‌های اضافی و غیرضروری باقی می‌مانند، زیرا اکنون، مثلاً زوج دو یا سه بار این فرآیند را طی کرده‌اند و نیازی به استفاده از جنین‌های دیگری که اکنون در سردخانه نگهداری می‌شوند، ندارند.

خب، با آنها چه کار کنیم؟ آنها را می‌توان به سادگی از بین برد، اهدا کرد یا به طور نامحدود ذخیره کرد، یا برای اهداف آزمایشی مانند تحقیقات سلول‌های بنیادی، که بسیاری از مردم طرفدار آن هستند، استفاده کرد. راه حل از نظر مالی پرخطر در اینجا این است که جنین بیشتری از آنچه که مایل به نگهداری آن تا زمان زایمان هستید، ایجاد نکنید. قبلاً زوج‌هایی در این مورد با من مشورت کرده‌اند، و به طور خاص به یاد دارم که در یکی از آنها این سوال از من پرسیده شد، زیرا می‌دانستم که این یک نگرانی است.

آنها یک زوج جوان مسیحی بودند و نگران احتمال داشتن جنین‌هایی بودند که بلااستفاده مانده و در نتیجه بمیرند. آنها این را باور دارند، درست است؟ اینها انسان‌هایی هستند که حق زندگی دارند. بنابراین، توصیه من ایجاد شده‌اند، استفاده (IVF) به آنها این بود که از هر جنینی که ایجاد کرده‌اند یا از طریق لقاح آزمایشگاهی کنند و همه آنها را با این هدف که همه آنها کاشته شوند، به دنیا بیایند و به دنیا بیایند، در رحم مادر بکارند.

و من نمی‌دانم چند تا انجام دادند، اما در مجموع، اما می‌دانم که از طریق چندین کاشت انجام شده است مثلاً حدود سه یا چهار تا را همزمان انجام می‌دادند، و مطمئناً با کاشت همه آنها موافق بودند. اگر این اتفاق هر بار می‌افتاد، احتمالاً ۱۵ یا ۱۶ بچه داشتند. همانطور که معلوم شد، فکر می‌کنم سه بار مختلف موفقیت‌آمیز بود.

آنها همه جنین‌ها را کاشتند، بنابراین هیچ‌کدام از آنها در سردخانه باقی نماندند و لازم نبود نگران باشند که با جنین‌های دیگر که بلااستفاده مانده بودند چه کنند، چون همه آنها استفاده شده بودند. و حالا فکر می‌کنم حدود چهار فرزند دارند. شاید این خانواده بزرگتر از آن چیزی باشد که در غیر این صورت در نظر داشتند، اما اعتقاد آنها این بود که به خاطر احترام به تقدس زندگی انسان، این کاری است که ما انجام خواهیم داد، حتی اگر به معنای داشتن هشت یا نه فرزند باشد.

بنابراین، این رویکردی است که من تا حدودی به طور آزمایشی توصیه کردم. برخی از طرفداران سقط جنین حتی تا این حد هم پیش نمی‌روند و از استفاده از این روش به طور کلی اجتناب می‌کنند. اما این رویکردی است که من توصیه کردم.

حالا، در مورد مادر جایگزین، این موضوع بسیار مشکل‌سازتر است. وقتی شخص ثالثی را در فرآیند تولید مثل دخیل می‌کنید، در اینجا چند استدلال استاندارد علیه مادر جایگزین وجود دارد. یکی اینکه این کار استثمارگرانه است، نوزادان را به کالا تبدیل می‌کند زیرا اغلب برای سود انجام می‌شود که در آن به مادر جایگزین مبلغ مشخصی، حتی سی و چهل هزار دلار، برای حمل این نوزاد تا زمان زایمان پرداخت می‌شود.

این در شرایطی که مثلاً زنی که نمی‌تواند بچه را تا آخر عمر نگه دارد، از خواهرش خواسته که رحم جایگزین را به او بدهد، صدق نمی‌کند. خیلی وقت‌ها این اتفاق در خانواده‌هایی از این دست می‌افتد. بنابراین شما نگرانی یا انگیزه سود را در آنجا ندارید، اما جایی که این موضوع مطرح است، نگرانی از استثمار وجود دارد که به نظر من قابل توجه است.

استدلال دوم این است که مادر جایگزین با مجاز دانستن جدایی زن از بدنش، یک رذیلت را به یک فضیلت تبدیل می‌کند. بنابراین، برخی از قوانین در واقع به گونه‌ای نوشته می‌شوند که از مادران جایگزین به عنوان انکوباتورهای انسانی یاد می‌کنند. معمولاً جدا شدن عاطفی مادر از فرزندش به عنوان یک رذیلت تلقی می‌شود اما در این مورد دقیقاً همین خواسته شده است، تا مادر جایگزین به راحتی از فرزندش که به تازگی به دنیا آورده است، دست بکشد.

بنابراین، آیا عملی که یک رذیلت را به یک فضیلت تبدیل می‌کند یا یک رذیلت را به عنوان یک فضیلت در نظر می‌گیرد، به همین دلیل از نظر اخلاقی مورد تردید نیست؟ در بسیاری از موارد، مادر جایگزین نظر خود را تغییر می‌دهد و از نظر عاطفی چنان به کودک وابسته می‌شود که نمی‌خواهد آن را رها کند، و این می‌تواند در موارد مادری جایگزین، اختلافات و پیچیدگی‌های زیادی ایجاد کند و ایجاد کرده است. این به سوال دیگری منجر می‌شود. چه حقوقی، در صورت وجود، باید برای مادر جایگزین در رابطه با نوزادش قائل شویم؟ فهمیدن این موضوع آسان نیست.

خیلی پیچیده می‌شود. و شما دوباره با مشکلات عملی مختلفی در رابطه با این موضوع مواجه می‌شوید، از جمله پریشانی عاطفی، حتی اگر او تصمیم بگیرد بچه را رها کند. این موضوع، در برخی موارد، تأثیر عاطفی منفی ماندگاری دارد.

بنابراین در اینجا چند سوال پایانی وجود دارد که می‌توانیم پرسیم. آیا کاتولیک‌های رومی همیشه درست گفته‌اند که مشکل در جدایی شدید رابطه جنسی و تولید مثل نهفته است؟ آیا زوج‌های متاهل باید همیشه به این دلیل پذیرای احتمال بارداری باشند؟ در دنیای پروتستان، در میان انجیلی‌ها، اوضاع در ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته به طرز چشمگیری تغییر کرده است، به ویژه با ظهور قرص ضدبارداری، که وقتی قرص ضدبارداری برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ به بازار عرضه شد، خوانده‌ام که ۹۵٪ انجیلی‌ها مخالف آن بودند، که جالب است زیرا اکنون احتمالاً این اعداد برعکس می‌شوند. اکثریت قاطع انجیلی‌ها با قرص ضدبارداری موافق خواهند بود و این نشان می‌دهد که این عمل خاص چقدر بر دیدگاه‌های جامعه انجیلی تأثیر گذاشته است.

اما ظاهراً، تعداد بسیار بیشتری از انجیلی‌ها در دهه ۶۰ نوعی ارتباط طبیعی بین رابطه جنسی و تولید مثل را تشخیص می‌دادند که ایده قرص ضدبارداری، می‌دانید، در تضاد با آن بود. و این در مورد بسیاری از چیزها صادق است، درست است، این‌ها نوعی پیشرفت فرهنگی هستند که در ابتدا تکان‌دهنده هستند و سپس ما تمایل داریم به این ایده عادت کنیم. من می‌دانم که لباس شنای بیکیبی تقریباً در همان زمان معرفی شد و این

یک رسوایی بزرگ در بین مسیحیان بود، اساساً فقط رنگ آمیزی لباس زیر و سپس ارائه آن به عنوان لباس شنای مشروع، و اکنون شکایات زیادی در مورد بیکیفی نمی شنوید.

بنابراین، ما می توانیم به چیزهایی عادت کنیم و به همین دلیل، وقتی که، تا جایی که می دانیم، آنها واقعاً از نظر اخلاقی مشکل ساز هستند، هرگونه تردید اخلاقی را از دست بدهیم. سوال دیگر: در چه مقطعی هزینه های مالی و عاطفی مقابله با مشکلات باروری بازدارنده است؟ زوجها باید چه کاری انجام دهند، یا چه زمانی باید به جای آن به فرزندخواندگی روی آورند؟ در چه مقطعی شما فقط می گویند که این واقعاً خیلی خطرناک و خیلی گران است، بیا بید فرزندخواندگی کنیم. البته، فرزندخواندگی معمولاً بسیار گران می شود.

بنابراین، در چه مقطعی تعهدات مالی بیش از حد است؟ و چه زمانی ممکن است هزینه هر یک از این موارد نشان دهد که واقعاً خواست خدا این است که، می دانید، این زوج فرزندی نداشته باشند یا دیگر فرزندی نداشته باشند؟ من می دانم که در مورد کشیش من، مطمئنم که ابعاد مالی یا، می دانید، ملاحظات مهم در تصمیم آنها برای رسیدن به این نتیجه که خواست خدا این بوده که آنها فرزندی نداشته باشند، مهم بوده است. سوال دیگری که می توانیم بپرسیم این است که آیا ما در جامعه خود از دیدگاه فرزندان به عنوان نعمتی از جانب خداوند به دیدگاهی که آنها را بیشتر به عنوان یک بار یا یک حق می بیند، تغییر کرده ایم؟ در میان بسیاری از طرفداران سقط جنین، حداقل در بسیاری از موارد، یک دیدگاه غالب وجود دارد که فرزندان یک بار هستند. من سال ها پیش در کنفرانسی بودم که در آن مقاله ای در مورد سقط جنین ارائه می شد و در بحث بعدی، زنی از حضار، لقاح را با یک تصادف رانندگی مقایسه کرد.

اگر او متوجه می شد که بچه دار شده است، آن را چیزی قابل مقایسه با مثلاً یک تصادف رانندگی می دانست، که باعث شد من در مورد بارداری خودم که در نتیجه ی یک اسپرم کش ناموفق بوده است، چه می گفت می دانید، از نظر دیدگاه روانشناختی او، من معادل محصول یک تصادف رانندگی هستم. اما این به معنای دیدن بچه ها به عنوان یک بار، زایمان و بارداری به عنوان یک بار است.

کسانی که کودکان را به عنوان یک حق تلقی می کنند، می دانید، دیدگاه بسیار متفاوتی دارند، و این یک نگرش رایج نیز هست، و این بر نوعی نگرش شاید غیرانتقادی نسبت به بسیاری از این فناوری های تولید مثل تأثیر می گذارد که باید مورد تجدید نظر قرار گیرند. بنابراین حتی نگرش ما به عنوان یک جامعه یا به عنوان یک فرد مسیحی نسبت به زایمان و نحوه نگاه ما به آن، پیامدهای قابل توجهی برای نحوه برخورد ما با این موضوع فناوری های تولید مثل دارد.

این دکتر جیمز اس. اشپیگل در تدریس خود در مورد اخلاق مسیحی است. این جلسه ۱۲، فناوری های تولید مثل است.